

پیش‌خورانی

حاشیه‌ای بر اثر تاریخی-پژوهشی زندگینامه اشرف پهلوی
گذری بر کارنامه «پلنگ سیاه»
■ شاهد توحیدی

خوانش تاریخچه سلطنت پهلوی دوم بدون بازخوانی نقش سیاسی و اقتصادی اشرف پهلوی (خواهر دوقلوی شاه‌خو در این باره به نگارش درآمده و شمه‌ای از آن است. اثر «پلنگ سیاه» در زم‌رم معدود کتاب‌هایی است که در این باره به نگارش درآمده و شمه‌ای از حقایق را در این موضوع باز گفته است. در دیباچه «پلنگ سیاه» آمده است: زندگی با حقیقت‌های اسطوره‌ای و نمادهای شورآفرین نشاط می‌یابد، تحرک می‌آفریند و هدفمند می‌گردد. نسلی که از گذشته خویش بپُرد چونان گیاهی بی‌ریشه خواهد شد که با وزش از جا کنده می‌شود. آیندگان هر چه بیشتر ریشه در اعماق تاریخ خویش فروبرند، شاه‌خو بر یک محکم‌تر و بیشتری در آسمان زندگی می‌گستراند.

کمتر ملت و مکتبی همانند ایران اسلامی از اسطوره‌ها و نمادهای زندگی‌ساز بهره‌مند می‌باشد، وظیفه فرهیختگان است که فرهنگ گذشته را به آینده منتقل کنند و لازمه این عمل، انتخاب زبانی است که نسل جوان آن را دلپذیر بیابد و ما سادونویسی را برگزیدیم. ساده‌نویسی روشی و حیاتی است: «ما قرآن را با شیوه‌ای ساده بیان کردیم» سادگی آیات الهی را در شعر عرب و حتی در کلام پیامبر(ص) نمی‌توان دید. از این رو، قرآن از

کسرت ملت و مکتبی همانند ایران اسلامی از اسطوره‌ها و نمادهای زندگی‌ساز بهره‌مند می‌باشد، وظیفه فرهیختگان است که فرهنگ گذشته را به آینده منتقل کنند و لازمه این عمل، انتخاب زبانی است که نسل جوان آن را دلپذیر بیابد و ما سادونویسی را برگزیدیم. ساده‌نویسی روشی

اصفهان از آغازین ماه‌های شروع نهضت اسلامی، نقشی مهم در حمایت از آن ایفا کرد. همان‌گونه که در این زمان حکومت نظامی، وی و سایر رهبران زندیاد حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین خادمی روحانیون و مردم اصفهان را به سمت اهداف امام خمینی هدایت و رهبری کند.

■ نقشی مقتدرانه و توأم با زیرکی

نقش مقتدرانه توأم با زیرکی آیت‌الله خادمی، در تبدیل تهدیدها به فرصت، تعیین‌کننده بوده است. در این زمان حکومت نظامی، وی و سایر رهبران قیام را یا در خانه تحت نظر قرار داده بود برای دور نگه‌داشتن آنها از عرصه قیام، تبعید یا بازداشت کرده بود. بدین جهت آیت‌الله خادمی با اعمال سیاست زیرکانه و در غفلت قرار دادن مسئولان استان شرایط جدید و بهتری فراهم آورد. بدین ترتیب در آذرماه عناصر هوادار رژیم در اصفهان در حاشیه قرار گرفته و به موضع انفعالی افتاده و به‌نظاره‌گری عصبی مبتل شدند.

در دوم آذر ۱۳۵۷ تعرض مأموران حکومت نظامی مشهد به حریم رضوی و تیراندازی به مردم و صحن و رواق‌ها حادثه دردناک مسجد گوهرشاد سال ۱۳۱۴ در زمان رضاخان را در آذهان مردم تداعی کرد. روحانیون و مردم شهر اصفهان به این اقدام رژیم واکنش سختی نشان دادند به طوری که این اقدام مستقیم حادته مهم انقلاب اسلامی در اصفهان به شمار می‌رود. امام خمینی در واکنشی به این مهم اعلام کرد: «بر تمام طبقات ملت لازم است که با هر وسیله ممکن به سقوط این دستگاه جبار قیام کنند. اطاعت این دستگاه، اطاعت طاغوت و حرام است. خداوند مسلمین را از شر آنان محافظت و حرام در این عزای بزرگ و جسارت به مقام امام امت روز یکشنبه ۲۵ ذی‌الحجه(۱۳۵۷/۹/۵) عزای عمومی اعلام می‌شود.»



آیت‌الله حاج آقا حسین خادمی در اصفهان در آیینه یک خوانش مستند رهبری با توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت

■ آغازگر یک اعتصاب پیروزی

قبل از این اطلاعیه و به فاصله چند ساعت پس از وقوع حادثه مشهد، علمای آن شهر با آیت‌الله خادمی تماس گرفته و از او خواستند در اصفهان از خود واکنش شدیدی نشان دهد. در گزارش ساواک در این زمینه چنین نوشته شده است: «آقای خادمی اظهار داشت: چشم تریبش را می‌دهم!»

لذا وی در روز ۴ آذر در اطلاعیه شدید و قاطعی علیه رژیم پهلوی از مردم اصفهان خواست اعتراض‌های خود را با شدت بیشتری علیه رژیم ابراز نمایند و در پی آن مجموعه روحانیون اصفهان نیز طی اعلامیه‌ای نسبت به حادثه مشهد از خود واکنش نشان دادند. بازار اصفهان که از حدود یک ماه قبل در اعتصاب مداومی قرار داشت، با صدور اطلاعیه آیت‌الله خادمی و در پی آن فرارسیدن محرم و رودرویی مردم و روحانیون اصفهان به رهبری آیت‌الله خامی با تمامی موجودیت رژیم (که شدت آن در کمتر جایی از کشور مشاهده شد)، به درستی انقلابی طولانی‌تر دست زدند که تا پوزوی انقلاب اسلامی ادامه یافت و مجموعاً حدود چهار ماه بازار اصفهان در اعتصاب کامل قرار داشت اما نباید فراموش کرد که بسیاری از کسبه و بازاری‌های اصفهان توان مالی و مکتن چندانی نداشتند که بتوانند عواقب مالی چنین امری را از سر بگذرانند. از سوی دیگر ماه محرم نیز در پیش بود و اقلام مورد نیاز مردم باید به گونه‌ای تأمین می‌شد. واقعیت دیگری که فرآوری بازاربان اصفهان قرار داشت، این بود که نباید اعتصاب عمومی شکسته می‌شد و باز شدن بازار در حکم عقب‌نشینی و موجب تضعیف انقلاب اسلامی بود. آیت‌الله خادمی در این زمینه اطلاعیه‌ای خطاب به بازاریان و مردم اصفهان صادر کرد و بازاری‌ها و کسبه را در مبارزه با رژیم، تشویق و ترغیب نمود. بزرگان بازار چاره را در آن دیدند که موضوع را حضوری با آیت‌الله خادمی، رئیس روحانی شهر مطرح کنند و به راه حل مطلوبی دست یابند. رئیس ساواک اصفهان در گزارشی اظهار داشته است: آیت‌الله خادمی با باز شدن بازار اصفهان قبل از آنکه رژیم اقدام به آزادی زندانیان سیاسی اصفهان کند، مخالفت کرده است: «لذا با پیگیری و تبادل نظر آبا بزرگان بازار اصفهان به این نتیجه رسیدند که چند روز مانده به اول ماه معازنه‌ها باز شود و با حرکت نو بری اول ماه بسا آماده‌ی و همگانی با سایر شهرستان‌ها خصوصاً تهران شروع شود ولی بنا شد این تصمیم در جلسه‌ای با حضور آیت‌الله خادمی مطرح و نظر نشان عملی شود. در این زمان هم هنوز آیت‌الله طاهری در تبعید بودند. با تشکیک جلسه بعدی و حضور آیت‌الله خادمی موضوع بیان شد و ایشان فرمودند: همه جوانب کار را رعایت کنید. مجدداً برادران در صد چاره‌ای بر آمدند و بنا گذاشتند هر کدام با عده‌ای مشورت

عاریخ

فکتوگوک۸۸۴۹۸۴۹۷

مسیر خود را تغییر داده و به سمت چهارراه وفایی حرکت کردند. جمعیت به جلوداری آیت‌الله خادمی (که به رغم سن زیاد، پیشاپیش جمعیت در حرکت بود)، مشغول شعار دادن بودند که نرسیده به چهارراه، مأموران راه را برایشان بستند. ساواک تعداد تظاهرکنندگان را ده‌هزار نفر تخمین زد و در گزارش روز ۱۷ آذر خود نوشت: «پس از خروج اجمعیت از مسجد سیدآ در خیابان محمدزاشاه نستند در حالی که آیت‌الله خادمی و چند نفر از روحانیون دیگر همراه او بودند، قصد راهپیمایی داشتند… فرماندار نظامی با راهپیمایی آنان موافقت نکرد و عملاً مشاهده شد که قسمتی از جمعیت شروع به تظاهرات نموده و سر راه خود اتاق اصناف، انبار مشروب‌فروشی و نیز چندین شعبه بانک صادرات، سپه و ملی را آتش زدند و ناگزیر مأموران برای تفرقه آنان اقدام به تیراندازی کرده و در نتیجه، دو نفر مجروح و به تدریج جمعیت متفرق گردید. تقوی».

■ گزارش واقعی یک تجمع بزرگ!

گزارش فرماندار نظامی در دسترس کامل نبود. در روایت مردمی از حادثه، اظهار شده است: «پس از آن جمعیت به نزدیکی چهارراه وفایی رسید. نظامیان راه را بر ایشان بستند. به دستور آیت‌الله خادمی جمعیت بدون واکنش روی زمین نشستند. معاون فرماندار نظامی اصفهان در حضور جمعیت از آیت‌الله خادمی خواست، مردم را متفرق کند. ایشان بر ادامه راهپیمایی اصرار کرد و قرار شد وی با مسئولان مافوق خود مذاکره کند. با طولانی شدن نشست جمعیت فشرده روی اسفالت، ناگهان جوانی جلوی درتشان سینه خود را گشود و فریاد زد: بزنیدا آرام آرام جمعیت به نظامیان نزدیک شدند. آنها احساس خطر کردند و ابتدا شروع به تیراندازی هوایی و پس از آن تیراندازی به سوی جمعیت آغاز شد. تعداد زیادی از مردم شهید یا زخمی شدند. آمار تلفات انسانی آن روز هرگز مشخص نشد، اما نام برخی شهدای روز هفتم محرم اصفهان به فر قرار از اعلام گردید. سیدابراهیم موسوی، صغری محمدی حسینی، سیداصغر میرلوحی، عباس نوری، حسین موسوی.»

جمعیت تظاهرکننده و شهید داده به شدت با نیروی نظامی درگیر شدند و با واداشتن آنها به عقب‌نشینی. بخشی مرکزی شهر به دست مردم افتاد و تمامی مراکز مرتبط با رژیم یا مراکز امریکایی، مورد حمله قرار گرفت. راهپیمایی در خیابان‌ها ادامه پیدا کرد تا جمعیت به مسجد مصلا رسید. هنگام ظهر راهپیمایی پایان یافت.

■ راندن ارتش از اصفهان به رهبری آیت‌الله خادمی

اخبار حادثه هفتم محرم اصفهان، همان روز در شهرهای بزرگ کشور منتشر شد و بلافاصله آیت‌الله منتظری از قم طی پیامی، حمله وحشیانه مأموران به مردم اصفهان را به آیت‌الله حسین خادمی تسلیت گفت. مردم به رهبری آیت‌الله خادمی تقریباً ارتش را از شهر رانده بودند. در روز هشتم محرم نیز عزاداری‌ها و سخنرانی در جمع مردم کردند تا به شکل مطلوبی از توان مردمی همه محلات اصفهان برای تقویت پایگاه مردمی انقلاب بهره‌برداری کنند. به این ترتیب آیت‌الله خادمی موفق شد ضرب حضور مستمر گز مردم در قیام را از خود راز مسیر را برای حضور در راهپیمایی‌های بزرگ تاسوعا و عاشورای اصفهان آماده سازد.

آیت‌الله خادمی در اغلب این مراسم و تجمع‌ها که از ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح آغاز می‌شد، شخصاً حضور پیدا می‌کرد و اکثر آنها به درگیری‌های گسترده میان مردم و مأموران منجر می‌شد. مراسم روز ۱۷ آذر/ جمعه ۷ محرم، در مسجد سید اصفهان که از جمله مساجد بزرگ اصفهان در در جوار منزل آیت‌الله خادمی قرار داشت، برگزار شد. جمعیت زیادی از مناطق مختلف شهر در مسجد سید، گردهم آمده بودند. داخل مسجد و حتی بیرون آن، در خیابان هم مردم ایستاده بودند. سخنران مراسم، حجت‌الاسلام آقای حسن بهشتی نژاد بود. حضور خانواده‌های شهدای اول محرم در مسجد سید و دلجویی آیت‌الله خادمی از ایشان، موجب احساس همدردی عمومی و افزایش تنفر آنها از رژیم پهلوی شد. ابتدا قرار بود جمعیت برای بزرگداشت شهدای اول محرم اصفهان از مسجد سید به سمت مسجد مصلا در جوار تخت پولاد، گورستان عمومی شهر راهپیمایی کنند. پس از پایان مراسم جمعیت به حرکت در آمد اما نظامیان مسیر اصلی را که از کاملاً مصمم و آرایش جنگی گرفته بودند لذا مردم

آیت‌الله خادمی در اغلب این مراسم و تجمع‌ها که از

ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح آغاز می‌شد، شخصاً حضور پیدا می‌کرد و اکثر آنها به درگیری‌های گسترده میان مردم و مأموران منجر می‌شد. مراسم روز ۱۷ آذر/ جمعه ۷ محرم، در مسجد سید اصفهان که از جمله مساجد بزرگ اصفهان در در جوار منزل آیت‌الله خادمی قرار داشت، برگزار شد. جمعیت زیادی از مناطق مختلف شهر در مسجد سید، گردهم آمده بودند. داخل مسجد و حتی بیرون آن، در خیابان هم مردم ایستاده بودند. سخنران مراسم، حجت‌الاسلام آقای حسن بهشتی نژاد بود. حضور خانواده‌های شهدای اول محرم در مسجد سید و دلجویی آیت‌الله خادمی از ایشان، موجب احساس همدردی عمومی و افزایش تنفر آنها از رژیم پهلوی شد. ابتدا قرار بود جمعیت برای بزرگداشت شهدای اول محرم اصفهان از مسجد سید به سمت مسجد مصلا در جوار تخت پولاد، گورستان عمومی شهر راهپیمایی کنند. پس از پایان مراسم جمعیت به حرکت در آمد اما نظامیان مسیر اصلی را که از کاملاً مصمم و آرایش جنگی گرفته بودند لذا مردم

■ تهدید یک میلیون نفر به سرکوب!

همزمان با راهپیمایی، ناگهان گروهی از مردم به کلانتری یک اصفهان و گروهی دیگر به ساختمان مرکز ساواک در ساحل زاینده‌رود

حمله کردند و این مکان‌ها را به تصرف خود در آوردند و به آتش کشیدند؛ محسمه رضاشاه در میدان مجسمه و پیکره محمدرضا شاه در سبزه میدان را نیز سرتگون کردند. حدود ظهر تظاهرات مردم به پایان رسید. بعد از ظهر عاشورا ناگهان ارتش، ساواک، چماقداران، نیروی انتظامی از زمین و آسمان به هر جنیده‌ای در اصفهان حمله کردند. از قراین برمی‌آمد که این اقدام کاملاً از پیش طراحی شده بود. سرلشکر نظامی از زمین و آسمان به هر جنیده‌ای در اصفهان حمله کردند. از قراین برمی‌آمد که این اقدام کاملاً از پیش طراحی شده بود. سرلشکر یک‌میلیون نفری را که قبل از ظهر راهپیمایی کرده بودند، به سرکوب تهدید کرد. مطبوعات دولتی در گزارش‌های خود از حملات نظامیان و چماقداران به مردم اصفهان، تلفات انسانی را چنین گزارش دادند: «بعد از ظهر عاشورا ا قوای نظامی با شرکت مستقیم ناجی به مردم

۱۳۵۷: آیت‌الله حاج آقا حسین خادمی (نفر اول از چپ) در صف نخست یکی از راهپیمایی های انقلاب در اصفهان

۹جوان ۵۵۳۱

حمله‌ور شدند که در نتیجه ۴۸ تن شهید شدند و ۱۳۰ نفر مجروح به جای ماندند» و در جای دیگر به کارگیری هلی کوپترهای نفربر ارتش علیه مردم حاضر در خیابان‌های اصفهان و شلیک از آسمان به سوی ایشان خبر داده‌اند. در روزهای بعد نیز با حمله به مردم نجف‌آباد و اصفهان، حتی با ورود به داخل منازل آنها و شکستن حریم خانواده‌هایشان، انتقام راهپیمایی صبح را از آنها گرفتند.

■ آیت‌الله خادمی و زودن آثار ر عاب از مردم اصفهان

در این مقطع حساس نقش آیت‌الله خادمی بسیار مهم و تعیین‌کننده بود. ایشان با وجود تأثیر شدید از جنایات که ارتش و حکومت نظامی علیه مردم در عصر عاشورا و سخت‌گیری روزهای بعد-به طوری که گروه کثیری از آنها حتی جرئت خروج از منازل را نداشتند- در روز ۲۳ آذر/ ۱۳ محرم طی اطلاعیه افشاگرانه‌ای (که در آن اوضاع و احوال، از روحیه مبارزه و جانفشانی حکایت داشت و از سطح وسیعی در اصفهان و جراید کشور انتشار یافت)، خطاب به مراجع تقلید و آیات عظام سراسر کشور، حضور قاطع میلیونی مردم اصفهان را در راهپیمایی روز عاشورا بگوشه زد نمود و رژیم پهلوی را غیرقانونی و غیراسلامی برشمرد و نوشت: «درست دو ساعت بعد از پایان یافتن تظاهرات آرام و متین مردم اصفهان… به وسیله هلی کوپتر از بالا و نیروهای شیطانی از زمین، مردم بی‌گناه و بی‌دفاع کوچک و بزرگ را به رگبار مسلسل بستند و پس از آن با جیب‌های ارتشی به کوچک و خیابان‌ها ریختند و در بعضی مناطق گستاخانه به خانه‌های مردم رفتند و عده بسیاری را تا این لحظه کشته و جمع کثیری را مجروح و تعداد زیادی را مضروب کردند… آن چنان محیط وحشتناکی پدید آورده‌اند که به زنان و مردان مسلمان هتاک و بی‌شرمی و تجاوز تعدی کردند که زبان از بیان آن جمیع تنگ‌نویس عاجز است.

اقدام دیگری که آیت‌الله خادمی برای زدودن آثار ترس ایجاد شده به مردم به انجام داد و قدم بزرگی در حفظ آساز جنایات رژیم پهلوی در روزهای دهم تا نهم دهم محرم ۱۳۵۷ بود، صدور اطلاعیه مهمی بود که طی آن ضمن محکوم نمودن «کشتار وحشیانه و جنایت‌های ننگین حکومت» از مردم خواسته بود، نام و نشان شهدا، عکس و مختصری از زندگینامه و خصوصیات اخلاقی آنها را به روحانیون محل خود بدهند و آنها نیز در اولین فرصت به آیت‌الله خادمی برسانند.

■ عقب‌نشینی ساواک در برابر تدبیر یک رهبر انقلابی

بعد از ظهر عاشورا ساواک اصفهان زمینه را برای سرکوب و کشتار بیشتر مردم و خاتمه دادن به اعصاب‌های مردمی فراهم می‌دید و به ادامه روش اعمال شده اصرار زیادی داشت. بنابراین ساواک مرکز فوراً به ساواک اصفهان دستور توقف اقدامات چماقداران را در اصفهان صادر کرد و با تهدید بی‌سابقه آیت‌الله خادمی مبنی بر امکان صدور جهاد علیه حکومت نظامی و تأثیر پیش‌بینی نشده آن بر اوضاع کشور، به اصرار مأموران ارشد ستگاه و مردم‌ستیز در اصفهان وقعی گذاشته نشد. تقوی، رئیس ساواک اصفهان در گزارشی نوشته بود: «شب گذشته آقای خادمی و دارودستگاه‌ش که فوق‌العاده نگران شده‌اند، دور هم جمع و شخصی به نام میرمحمد صادقی که خود روح‌الومهمی در اعتصاب‌ها و دادن خبرهای کذب دارد، از قبول او اخادمی ا پیغام داد که از نظر فرمانداری نظامی و مسئولان کوبید، اگر از کشته‌های اصفهان بی‌سرستانه آچماقداران و ارتشی‌های لباس شخصی آ جلوگیری نشود، حکم خمینی نیز به این مناسبت اعلامیه‌ای صادر کرد و حوادث اصفهان و نجف‌آباد را سمبل منطق امریکا و رئیس‌جمهور آن کارتر دانست. جو سنگین مملو از رعب و وحشت که توسط حکومت نظامی در منطقه اصفهان حاکم شده بود، بسیار خشونت‌نابار و در اصفهان بی‌سابقه عاشورا و روزهای پس از آن به صورت پنهان و کاملاً در انزوا و بدون هرگونه تجمع و تظاهراتی به خاک سپرده شد. شدت خفقان حاکم، حتی اجازه نداد طبق روال سنتی و مذهبی مجالس فاتحه‌فامیلی نیز منعقد شود. «عده‌ای ناشناس به نام شهدای گمنام در پشت گلستان انگلستان اقدام کردند؛ زیرا او موفق شده بودند. طوری این عزیزان برگزار نشد».

مردم اصفهان خار در چشم و استخوان در گلو صبر و سکوت کردند؛ سکوتی که به شدت برای رژیم خطرناک و آتش زیر خاکستر بود، به‌ویژه آنکه آیت‌الله خادمی نیزتهدید به اعلان جهاد کرده بود؛ لذا رژیم چاره کار را در کنار آمدن با آیت‌الله خادمی فعلی و زیرا او موفق شده بود در روزهای گذشته به یک‌میلیون نفر اصفهانی روح وحدت و همدلی بخشیده و آنها را در انقلابی برای خدا، به میدان تظاهرات و مبارزه علیه رژیم بکشاند. بنابراین رژیم برای دلجویی از مردم اقدام به انتقال نادری، شکجه‌گر معروف ساواک اصفهان کرد و از سیاست سرکوبی بی‌حاصل مردم دست برداشت، زیرا به‌رغم اعمال آن، ساواک، ناجی و حکومت نظامی او توفیقی به دست نیاورده و روز به روز جریان انقلاب در میان مردم اصفهان فراگیر می‌شد و نهایتاً به پیروزی منتهی شد.



اشرف پهلوی در دوران سی از پیروزی انقلاب اسلامی

کتاب بیان و… روشن لقب هیف است و آنچه بر اهمیت آن می‌افزاید، این است که کتاب الهی در عین سادگی، از زورات علمی بی‌ظنیری برخوردار می‌باشد: ای پیامبر «ما بر تو سخنی وزین نازل می‌کنیم» و همین امتزاج سادگی و سنگینی است که گذشت زمان از تاریگی آن نکاسته است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی به حکم رسالتی که بر دوش دارد، مصمم است تا با زبانی شیوا اما محتوایی مستند، زندگی نقش آفرینان و آفریده‌شده‌ها را برای جوانان ترسیم کند.

این نوع نگارش که به پاره مستندات تاریخی و نشر ادیبی و در نهایت مستطوبی به خواننده خاص و جوان است، خود سبکی خاص است که شخصیت‌ها، رویدادها و مفاهیم و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در انقلاب اسلامی را به روان‌ترین شکل آن به آیندگان و جوانان معرفی می‌نماید. امیدواریم که مورد قبول جوانان و رضای خداوند بزرگ قرار گیرد…

آنچه پیش رو دارد روایتی مستند از زندگانی یکی از سرمستان یاده قدرت است که روزگاری دراز بر مسند ملک و مال و بی‌بروایی روزهای افول تکیه زده بود و اکنون از آن ایام قدرت‌گساری، تنها خاطراتی به یاد دارد.

داستان چنین زندگانی اشرفای و شاهانه‌اما بدفرجام، حکایت مکز تاریخ است که به درازی بعد چهبان بر گوش فراموش عهد و پندنشوی بسیاری زمزمه شده است و از آن درس و پند نگرفته‌اند و آن را در لحظه، لحظه زندگانی خود تجربه کرده‌اند تا به سزای نابوری خویش، پهبای سنگین بپردازند که «چنین است رسم سزای درشتا» باشد که «بندگیرد و صاحب هوش».

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۳۴۱۶۵۴